

سجده بر خاک در آینه فقه واحادیث با رویکردی روایی از دیدگاه فریقین

□ سید محمدنقی موسوی *

چکیده

شیعه و سنی اتفاق دارند که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) بر زمین سجده می کرده و صحابه رسول خدا (ص) نیز به تبعیت از آن حضرت، جز بر زمین بر چیز دیگری سجده نمی کردند. شیعیان قطعه های از خاک پاک را به صورت مهر به همراه خود بر می دارند، تا بر خاک سجده کرده باشند. طبق مبانی اهل سنت سجده بر مهر نه تنها اشکال ندارد، بلکه رجحان نیز دارد ولیکن آنها عملاً بر مهر سجده نمی کنند این پژوهش به بررسی دیدگاه های فقهی و روایی فریقین در موضوع سجده بر خاک پرداخته و از این زوایا این مسئله را مورد واکاوی قرار داده است به این نتیجه دست یافته است که بین شیعه و سنی اختلافی نیست که سجده بر هفت عضو مشروع است. علمای اهل سنت هم قائل به این مدعا اند اما اختلاف در این مسئله است که سجده بر کدام یک از این اعضای هفت گانه واجب است که مذهب شیعه سجده بر خاک را واجب می داند و روایاتی زیادی از اهل سنت در این موضوع وجود دارد.

واژگام کلیدی: سجده بر خاک، فریقین، روایات، سجود، شیعه، اهل سنت

مقدمه

یکی از مباحث مهم که مذهب شیعه با اهل سنت در تضاد است مسأله سجده بر خاک در نماز است، شیعیان ملتزم هستند که جز بر زمین (اعم از خاک و سنگ) و چیزهای غیر خوراکی که از زمین می‌روید سجده نکنند و سجده بر خاک از همه بهتر است. زیرا که سجده اظهار فروتنی و خشوع در برابر خداوند باری تعالی است پیامبر اسلام (ص) و مسلمانان صدر اسلام نیز بر خاک یا سنگ یا حصیر سجده می‌کردند، زیرا در کف مساجد و منازل سنگریزه و خاک بود و حداکثر مفروش به حصیر بود. ولی امروزه که تقریباً همه منازل و مساجد مفروش به فرشهای نخي و پشمي میباشد و به خاک دسترسی نیست، شیعیان قطعه‌های از خاک پاك را به صورت مهر به همراه بر میدارند، تا بر خاک سجده کرده باشند. طبق مبانی فقهی اهل سنت سجده بر مهر نه تنها اشکال ندارد، بلکه رجحان نیز دارد ولیکن آنها عملاً بر مهر سجده نمیکنند. حال سوال مهم این است که چرا شیعیان بر خاک سجده می‌کنند؟ آیا اهل سنت سجده بر خاک را قبول دارند؟ منشاء اختلاف در چیست؟ این پژوهش به بررسی دیدگاه‌های فقهی و روایی فریقین در موضوع سجده بر خاک پرداخته و از این مسأله را مورد واکاوی قرار داده است.

مفهوم شناسی

سجده در لغت به معنای (تذلل، خضوع و اظهار فروتنی) همچنین به معنای، خم شدن و سر فرود آوردن آمده است. (راغب، مفردات فی غریب القرآن، ۱۴۱۲: ۲۲۲) طبرسی (ره) گفته است: سجود در لغت خضوع و تذلل است و در شرع عبارت است از گذاشتن پیشانی بر زمین (قریشی، قاموس قرآن، ۱۳۷۷: ۷) راغب در مفردات بر این باور است: اصل سجود، آرامش و فروتنی و اطاعت است و سجده عبارت از فروتنی برای عبادت خدا و پرستش اوست.

سجود واژه عام و فراگیری است که در انسانها و حیوانات و جمادات به طور عموم هست (مفردات، همان) ابن منظور به نقل از ابن سیده گفته است: «سجد یسجد، سجوداً یعنی پیشانی‌اش را بر زمین قرارداد. اسم فاعل آن ساجد و جمع ساجد، سجود و سُجِد است». (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴: ۶/ ماده سَجِد) ابن اثیر گفته است: (سجود نماز عبارت است از قراردادن پیشانی بر زمین و هیچ خضوعی بزرگ‌تر از سجده نیست) (ابن اثیر، النهایة، بی تا: ۲/

ماده «سَجَدَ» در تاج العروس من جواهر القاموس آمده است: سجده یعنی خضوع، و سجود نماز از همین ریشه و به معنای قراردادن پیشانی بر زمین است و خضوعی بزرگ‌تر از سجود نیست. اسم آن «سجده» به کسر سین است. (زوبیدی، تاج العروس، ۱۴۱۴: ۸/ماده، سَجَدَ)

نتیجه بررسی این سخنان و نظایر آن از صاحبان کتابهای لغت، گویای این حقیقت است که حقیقت و مقوم سجده، همان قراردادن پیشانی بر زمین است گذاشتن پیشانی بر زمین، دارای شرط خاصی باشد و آن اینکه «مسجودٌ علیه» یعنی چیزی که بر آن سجده می‌شود، باید زمین یا رویدنی از زمین باشد و سجده بر غیر این موارد، جایز نباشد

سجده در اصطلاح فریقین

۱. برخی گفته‌اند: سجود در اصطلاح شرع عبارت است از نهادن پیشانی بر زمین یا آنچه از زمین می‌روید و خوردنی و پوشیدنی نیست. بنابر این تعریف، سجود در شرع، معنایی ویژه پیدا کرده است و نتیجه آن ثبوت حقیقت شرعی برای سجود خواهد بود. (حلی، تحریر الأحکام الشرعية علی مذهب الإمامیه، ۱۴۲۰: ۱/۲۵۳) محقق کرکی، جامع المقاصد، ۱۴۱۴: ۲ / ۲۹۶. کاشف الغطاء، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء، بی تا: ۳/۲۰۰)

۲. بعضی علاوه بر پیشانی، نهادن سایر اعضای هفت گانه کف دو دست، دو زانو و سر انگشتان بزرگ دو پا را بر زمین در تحقق مسمای سجود لازم دانسته‌اند در مقابل، برخی ثبوت حقیقت شرعی در لفظ سجود را نپذیرفته و بر این نظر که نهادن مواضع هفتگانه، حتی پیشانی بر زمین در تحقق مسمای سجود دخیل است، اشکال کرده و گفته‌اند: عرف، حتی عرف متشرعه کسی را که به جای پیشانی، صورت خود را بر زمین می‌گذارد و یا پیشانی را بر فرش و مانند آن می‌نهد، سجده کننده به شمار می‌آورد

۳. صاحب جواهر مینویسد: ومنه يعلم ما فی قول البعض، وشرعا وضع الجبهة علی الأرض أو ما أنبتت مما لا یؤکل ولا یلبس، إذ الظاهر عدم ثبوت الحقیقة الشرعیة فیه، بل یمکن عدم اعتبار ذلك فی صحته. (نجفی، جواهر الکلام، ۱۳۶۲: ۱۰ / ۱۲۳/۱۲۴) و همچنین مرحوم حکیم میفرماید: نعم فی اعتبار وضع خصوص الجبهة إشکال، لصدقه عرفا بوضع جزء من الوجه ولو کان غیرها، ومثله اعتبار کون الموضوع علیه الأرض لا غیر، بل المنع فیه أظهر. (طباطبایی حکیم، مستمسک العروة، ۱۴۹۱: ۶ / ۳۴۵) برخی دیگر گفته‌اند: گذاشتن پیشانی بر

زمین بارزترین مصداق سجود به معنای لغوی آن است و شارع مقدس تنها خصوصیتی را بدان افزوده و رعایت آنها را در سجود لازم دانسته است (والظاهر أنه في لسان الشرع أيضاً يطلق على ما هو عليه من المعنى اللغوي غاية مع مراعاة خصوصيات آخر كما ستعرف (خویی، مستند العروة (الصلاة) بی تا: ۵/ ۸۴)

ثمره اختلاف

ثمره اختلاف یاد شده در جایی ظاهر می شود که شارع مقدس در آن جا به مطلق سجود - بدون بیان قیود و شرایط آن - امر کند، مانند سجده تلاوت که بنابر قول به ثبوت حقیقت شرعی برای واژه سجود، رعایت ویژگیها و شرایط شرعی آن در تحقق سجود شرعی لازم خواهد بود. همچنین سجده را در کتب اهل سنت چنین تعریف می کند. سجده عبارت است از (گذاشتن پیشانی بر زمین در حال نماز) (وجدی، دائرة المعارف القرن العشرين، بی تا: ۵/ ۴۲) لذا دانشمندان اسلامی تصریح کرده و توضیح داده اند که سجده به معنای خضوع است: و منه سجود الصلاة و هو وضع الجبهة على الارض و لا خضوع اعظم منه (الرملى الشافعى، النهاية المحتاج الى شرح المنهاج، ۱۴۰۴: ۲/ ۴۲) سجده کردن به معنای خضوع کردن است و از همین خضوع، سجده نماز است و آن به معنای نهادن پیشانی بر زمین است، و خضوعی بزرگ تر از این نیست.

مفهوم ارض

یکی از نکات مهم که در بحث سجده بر خاک خود نمایی می کند واژه ارض می باشد ارض در لغت بدین معناست

الف) زمین یا جرم و جسمی که مقابل آسمان قرار دارد و جمع آن ارضون است.

ب) زیر و پایین هر چیز را نیز به ارض تعبیر کرده اند؛ همان گونه که بالا و فوق هر چیز را هم سماء نامیده اند (قریشی همان ماده ارض) در تعریف دیگر آورده اند: که ارض مونث است و اسم جنس می باشد « و کل ما سفلى فهو ارض (جوهری، صحاح اللغة، ۱۴۰۴: ۳/ ۶۳۳) هر چیز زیر و پایین را ارض می گوید هر چیز پایین و در مقابل آسمان و زمینی که ما بر آن هستیم، ارض گفته می شود. (ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۱: ۱۴۰۴/ ۸۱) معنای حقیقی کلمه ارض، چیزی است

که پایین و در مقابل آسمان است. وقتی ارض در مقابل سماء گفته می شود، چیزهایی مانندجماد نبات و حیوان را در بر می گیرد: «له ملک السموات والارض (بروج/ ۱۹) اما وقتی که ارض مطلق گفته شود دلالت بر کره زمین می کند، در احادیث رسیده از معصومین (ع) سجده بر زمین را فرض دانسته.

سجده بر خاک از دیدگاه امامیه

پیروان مذهب ائمه (ع) بر این عقیده هستند که بر غیر زمین نمی توان سجده کرد، البتة عقیده دارند که بر آنچه از زمین می روید نیز می توان سجده کرد، به شرط آن که خوردنی و پوشیدنی نباشد مانند برگ و چوب درختان و حصیر و بوریا و امثال آنها..

پیروان اهل بیت (علیهم السلام) به استناد روایاتی که از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و ائمه اهل بیت (علیهم السلام) و عمل صحابه نقل شده، بر این عقیده اصرار دارند، لذا در مسجد الحرام و مسجد پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله) ترجیح می دهند روی فرش ها سجده نکنند بلکه روی سنگ ها سجده کنند و گاه حصیری همراه خود می آورند و روی حصیر سجده می کنند. در مساجد ایران و عراق و تمام کشورهای شیعه نشین که تمام مساجد مفروش است، قطعه خاکی را به نام «مهر نماز» درست کرده و آن را روی فرش گذارده و بر آن سجده می کنند تا پیشانی که اشرف اعضای انسان است، در پیشگاه خداوند به خاک ساییده شود و نهایت تواضع در پیشگاه خدا به عمل آید. گاه این قطعه خاک را از تربت شهیدان انتخاب می کنند که یادآور جانفشانی های آنها در راه خدا باشد و حضور قلب بیشتری در نماز حاصل کنند، و تربت شهیدان کربلا را بر دیگران ترجیح می دهند، ولی نه همیشه مقید به تربت هستند و نه خاک، بلکه همان طور که گفته شد بر سنگ های کف مساجد- مانند مسجد الحرام و مسجد النبی (صلی الله علیه وآله)- به راحتی سجده می کنند.

دیدگاه فقیهان

۱. سجده بر غیر زمین صحیح نیست

چیزی که بر آن سجده می شود و آنکه قطعا جایز نزد همه باید از جنس زمین باشد یا آنچه از

زمین می‌روید، به شرط آنکه خوردنی و پوشیدنی نباشد. بنابر این، در غیر حال ضرورت و تقیه سجده بر غیر زمین یا خوردنیها و پوشیدنیهای روییده از زمین، صحیح نیست
وآنکه اختلافی است مثل پنبه وکتان، دیدگاه مشهور عدم صحت سجده بر آن دو است. قول
مقابل مشهور، کراهت سجده بر آن دو است (بحرانی، الحدائق الناضرة، ۱۴۰۵: ۲۴۵/۷. نجفی
جواهر الکلام همان: ۴۱۱۴۱۲/ ۸. خویی، مستند العروة (الصلاة) همان: ۱۳۰/۱۲۹/۳)

۲. سجده بر کاغذ

برخی دیگر از فقها قائل به صحت سجده بر کاغذ شده‌اند؛ لیکن در اینکه سجده بر آن مطلقاً صحیح است؛ هر چند از چیزی که سجده بر آن صحیح نیست ساخته شده باشد یا اینکه صحت منوط به ساختن آن از گیاه است و یا علاوه بر آن، منوط به این است که گیاه خوردنی و پوشیدنی نباشد، در مسئله سه قول مطرح است. فنقول الأقوال في المسألة ثلاثة: جواز السجود على القرطاس مطلقاً. وتقييده بالمتخذ من النبات، فلا يجوز على ما اتخذ من الصوف أو الحرير. وتقييد النبات بما كان من جنس ما يصح السجود عليه كالحشيش ونحوه، فلا يجوز على ما كانت مادته القطن أو الكتان، إلا إذا قلنا بجواز السجود عليهما اختياراً. ومنشأ الخلاف الاختلاف في مدلول الأخبار - وهي النصوص المتقدمة - من حيث السعة والضيق والدلالة على الاطلاق وعدمها. (خویی همان: ۱۳۴/۳)

بنابر قول نخست، سجده بر کاغذ گرفته شده از غیر گیاه، همچون کاغذ تهیه شده از ابریشم صحیح است؛ لیکن بنا بر قول دوم، صحیح نخواهد بود و لازم است ماده کاغذ گیاه باشد؛ هر چند خوردنی یا پوشیدنی؛ مانند پنبه و کتان؛ اما بنابر قول سوم، سجده بر کاغذ گرفته شده از پنبه و کتان نیز صحیح نخواهد بود و تنها بر کاغذی صحیح است که ماده آن گیاه غیر خوردنی و پوشیدنی باشد (نجفی جواهر الکلام، همان: ۴۳۲/۴۳۰/ ۸)

۳. سجده بر معادن

سجده بر آنچه از زمین استخراج شده، لیکن بر اثر استحاله و مانند آن، از مصداق زمین بودن خارج گشته، از قبیل معادن همچون طلا و نقره و قیر، صحیح نیست؛ لیکن در صحت سجده بر بعضی مصادیق معدن به جهت اختلاف دیدگاهها در خروج آن از عنوان زمین، مانند سنگهای قیمتی نظیر عقیق و فیروزه، اختلاف است. دیدگاه مشهور عدم صحت سجده بر چنین سنگهایی

است؛ هرچند برخی قائل به صحت آن شده‌اند. (خویی، مستند العروة (الصلاة) همان: ۳/۱۳۹)

۴. اقوال در باره آجر و سفال

در اینکه زمین با پخته شدن، از مصداق زمین بودن خارج می‌شود یا نه، اختلاف است. بنابر قول نخست، سجده بر سفال و آجر صحیح نخواهد بود؛ بر خلاف قول دوم که سجده بر آن محکوم به صحت است قول دوم به ظاهر کلمات مشهور متأخران نسبت داده شده است. به قول مشهور، سجده بر سنگ آهک و نوره قبل از پخته شدن صحیح است (نراقی مستند الشیعه ۱۴۱۵: ۲۵۲/۵)

چنان که در صحت سجده بر گیاهان دارویی اختلاف می‌باشد (طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، بی تا: ۲/۳۹۰)

۵. افضل بودن سجده بر زمین

سجده بر زمین افضل از گیاه است؛ چنان که با فضیلت‌ترین زمینها تربت کربلا می‌باشد (بحرانی، الحدائق الناضرة، همان: ۷/۲۵۹/۲۶۰)

دیدگاه علامه امینی (ره) در مورد تربت امام حسین (ع)

ایشان میفرماید: ما از خاک محل شهادت امام حسین (علیه‌السلام) قطعه‌هایی را در اندازه‌های متفاوت می‌سازیم که هنگام سجده پیشانی را بر آن می‌گذاریم، همان گونه که مسروق بن اجدع فقیه اهل سنت و شاگرد مکتب خلافت قطعه‌ای از خاک مدینه را همراهش می‌برد و بر آن سجده می‌کرد. آیا می‌شود گفت: دانشمند و فقیه اهل مدینه و آموزگار سنت نبوی بدعت گذار بوده و کارش ناشایست بوده است؟

بسیاری از بزرگان مذهب (شیعه) هنگام سفر قطعه‌ای حصیر یا غیر آن را که پاک و طاهر بود همراه می‌بردند و هنگام نماز بر آن سجده می‌کردند و لذا ما بر اساس این نقل و روش محکم سجده بر خاک را لازم می‌دانیم. (امینی، السجود علی التربة الحسینیة، ۱۴۲۲: ۶۶-۶۷) و حتی روایات فراوانی از طریق خاصه و عامه نقل شده است که رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) تربت امام حسین (علیه‌السلام) را استشمام کرده و آن را می‌بوسید: عن عبدالله بن وهب بن زبعة قال اخبرتنی ام سلمة رضی الله عنها ان رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) اضطجع ذات لیلة

للنوم فاستيقظ وهو حائر ثم اضطجع فرقد ثم استيقظ وهو حائر دون ما رايت به المرة الاولى ثم اضطجع فاستيقظ وفي يده تربة حمراء يقبلها فقلت ما هذه التربة يا رسول الله قال اخبرني جبريل (عليه الصلاة والسلام) ان هذا يقتل بارض العراق للحسين فقلت لجبريل ارني تربة الارض التي يقتل بها فهذه تربتها. هذا الحديث صحيح على شرط الشيخين ولم يخرجا.

ام سلمه گوید: در یکی از شب‌ها رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) مشغول استراحت بود ناگهان نگران و مضطرب از جایش حرکت کرد، سپس نشست و دراز کشید که باز هم از جایش با ناراحتی حرکت کرد که از دفعه قبل شدیدتر بود، باز هم دراز کشید در حالی که خاکی سرخ‌رنگ در دست‌هایش بود و آن می‌بوسید، گفتم: این خاک چیست؟ فرمود: جبرئیل به من خبر داد که بر این خاک حسین مرا می‌کشند، از او درخواست کردم تا آن خاک را به من نشان دهد، جبرئیل این خاک را برایم آورد. (حاکم نیشابوری، مستدرک ۲۰۱۱: ۴/۴۴۰)

دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) در سجده بر زمین

امام خمینی رحمة الله عليه می فرماید: در هنگام ذکر سجده، باید هفت موضع روی زمین به معنای عام آن (چه خاک باشد و چه فرش و ...) قرار گیرد، در این حکم، ملاک؛ استقرار و ساکن بودن این هفت موضع است بنابراین هفت موضع در هنگام ذکر سجده باید بر زمین باشد، نه آن که بر خاک و آنچه سجده بر آن صحیح است قرار گیرد عند السجود لابد من استقرار سبعة مواضع على الأرض بشكل عام (سواء كان السطح تراباً أو فراشاً) و الملاک في هذا الحكم استقرار و سکون هذه المواضع السبع و عليه يجب أن تكون سبعة مواضع على الأرض في حالة السجود، و ليس على التراب كما ذكر لتكون السجدة صحيحة. البته از بین این هفت موضع، فقط پیشانی استثناء شده است که می‌بایست تنها بر زمین (به معنای خاص آن) یا آنچه از زمین می‌روید واقع شود؛ در واقع فقهاء در این مساله جنس زمین را مد نظر قرار داده‌اند. و لقد استثنت الجبهة فقط من هذه المواضع السبعة، حيث يجب أن تكون على الأرض أو ما يخرج منها مما لا يؤكل أو يلبس (وفي الواقع فإن الفقهاء لهم آراء مختلفة في مسألة نوع الأرض) خمینی، توضیح المسائل، بی تا ۱/۵۷۲

مر حوم نراقی در کتاب مستند الشیعه صحت سجده بر بعض اشیا را تأیید میکند و می‌نویسد: المسألة الثامنة: ما مرّ من صحة السجود ببعض الأشياء دون بعض إنّما هو بالنسبة إلى مسجد الجبهة خاصّة، و أمّا غيرها فيجوز وضعها على أيّ شيء كان، محقق نراقی ادعای اجماع نموده

وگفته منظور از سجود گذاشتن پشانی بر زمین است.

بالإجماع المحقق و المحكي في كلام جماعة، له، و للأصل الخالي عن المعارض حتى ما مرّ، لأنّ معنى السجود إنّما هو وضع الجبهة. و لبعض الأخبار، كصحيحة حمران: «كان أبي يصلي على الخمرة، يجعلها على الطنفسة، ويسجد عليها، فإذا لم تكن خمرة جعل حصي على الطنفسة حيث يسجد». و المستفاد منها وضع سائر مساجده عليه السلام على الطنفسة. ط ف س-ياس (طنفسة) بوريا مانندی است از شاخه خرما، زیلو، فرش درست می کنند (نراقی، مستند الشيعة في أحكام الشريعة، ۱۴۱۵: ۲۶۵/۵)

سجده بر خاک در روایات اهل بیت (ع)

به هر حال پیروان اهل بیت (علیهم السلام) برای اثبات وجوب سجده بر زمین دلایل فراوانی دارند، از جمله احادیثی از پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) و سیره صحابه که در بحث‌های آینده خواهد آمد و روایاتی از امامان اهل بیت (علیهم السلام) که به زودی اشاره خواهیم کرد. اما اینکه چرا خداوند از میان همه اشیا فقط سجده بر روی خاک را خواسته روایت حضرت امام صادق (ع) به خوبی آن را توضیح می‌دهد. به بیان آن حضرت سجده کردن بر خاک تنها برای آن است که چنین کاری با فروتنی در برابر خداوند یگانه سازگارتر است. هشام بن حکم که از یاران دانشمند آن حضرت است سؤال کرد، بر چه چیز می‌توان سجده کرد و بر چه چیز نمی‌توان سجده کرد؟ امام فرمود:؛ سجود جایز نیست مگر بر زمین یا چیزی که از زمین می‌روید، مگر خوردنی‌ها و پوشیدنی‌ها) هشام می‌گوید: گفتم فدایت شوم حکمت آن چیست؟ فرمود: زیرا سجود خضوع برای خداوند متعال است و سزاوار نیست بر خوردنی‌ها و پوشیدنی‌ها سجده کرد، زیرا دنیاپرستان بنده خوردنی‌ها و پوشیدنی‌ها می‌باشند و کسی که سجده می‌کند در حال سجود مشغول عبادت خداست. بنابراین سزاوار نیست پشانی را در سجده‌اش بر چیزی بگذارد که معبود دنیاپرستانی است که فریفته زرق و برق دنیا هستند.

سپس امام افزود: سجده بر زمین افضل است، چرا که تواضع و خضوع در برابر خدا را بهتر نشان می‌دهد. «صدوق، علل شرایع ۱۹۹۶: ۳۴۱/۲) به همین جهت رسول خدا (ص) و اهل بیت او (ع) و صحابه همواره بر روی خاک و یا آن چه از خاک می‌روید سجده می‌کردند و برای هر مسلمانی بهترین اسوه و نمونه قابل پیروی عملکرد پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت اوست.

به همین جهت امام صادق (ع) فرمود: السجود علي الارض فريضه و علي الخمره سنه . سجده بر زمین حکم الهی و سجده بر خمره سنت پیامبر (ص) است. (عاملی و سائل الشیعه ۱۴۰۹: ۱/۵-۳۴۵ ح ۶۷۴۶)

ایشان در جای دیگر می فرماید: السجود لایجوز الا علي الارض او علي ما انبتت الارض الا ما اكل او لبس. سجده کردن جز بر زمین و آنچه می رویند غیر از خوردنی ها و پوشیدنی ها جایز نیست. (همان)

سجده بر خاک در منابع روایی اهل سنت

۱. این حدیث را شیعه و اهل سنت از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله) نقل کرده اند که فرمود: «جُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَ طَهْرًا؛ زمین برای من محل سجده و وسیله طهارت (تیمم و...) قرار داده شد بر این اساس به فرموده رسول خدا (ص) هر کس در نماز باید پیشانی را روی خاک بگذارد و این کار مورد اتفاق همه مسلمانان است که ترجیح با خاک است و آن خاک باید پاک باشد؛ زیرا خداوند می فرماید (فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا) (نساء/۴۳) اگر آب برای وضو پیدا نکردید روی خاک پاک تیمم کنید

با توجه به آیه تیمم و روایت دوم مطلب بدست می آید: اول آنکه اسم زمین بر محل سجده و تیمم صدق نماید. دوم: آن زمین باید خاک پاک باشد زیرا که شرط تیمم و نماز در استفاده از خاک یکی است و درباره تیمم خداوند به صراحت فرمود بر زمین پاک تیمم نمایید (اسمعیل بخاری، صحیح بخاری بی تا: ۹۱/۱ (سنن بیهقی، بی تا: ۲/۴۳۳)

بررسی متن حدیث

بعضی گمان کرده اند معنای حدیث آن است که سراسر روی زمین محلّ عبادت پروردگار است و انجام عبادات، مخصوص محلّ معینی نیست، آن گونه که یهود و نصاری گمان می کرده اند که عبادت حتماً باید در کلیسا و معابد خاص انجام گردد، ولی این تفسیر با کمی دقت با معنای واقعی حدیث سازگار نیست، زیرا پیامبر فرمود: «زمین هم طهور است و هم مسجد» و می دانیم آنچه طهور است و با آن می توان تیمم کرد، زمین است، بنابر این سجده گاه نیز باید همان خاک و سنگ باشد. اگر پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) می خواست آن معنا را که

جمعی از فقهای اهل سنت از حدیث استفاده کرده‌اند، بیان کند باید بگوید: «جعلت لی الارض مسجداً و ترابها طهوراً سرتاسر زمین برای من مسجد است و خاک آن وسیله طهارت و تیمم» ولی چنین نفرمود. بنابراین شکی نیست که مسجد در این جا به معنای سجده گاه است و سجده گاه باید همان چیزی باشد که بتوان بر آن تیمم کرد.

پس اگر شیعیان مقید هستند بر زمین سجده کنند و سجده بر فرش و مانند آن را مجاز نمی‌دانند، کار خطایی نکرده‌اند، چون به دستور رسول الله (صلی الله علیه وآله) عمل می‌کنند. ۲. از روایات متعددی استفاده می‌شود که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) نیز بر زمین سجده می‌کرد، نه بر فرش، لباس و مانند آن. در حدیثی از ابوهریره می‌خوانیم که می‌گوید: «سجد رسول الله فی یوم مطیر حتی ائی لانظر الی أثر ذلك فی جبهته و ارنبته؛ رسول خدا را در یک روز بارانی دیدم که بر زمین سجده می‌کرد و اثر آن بر پیشانی و بینی او نمایان بود (هیثمی، مجمع الزوائد ۱۴۱۴: ۲/۱۲۶)

اگر سجده بر فرش و پارچه جایز بود، لزومی نداشت آن حضرت در روز بارانی بر زمین سجده کند.

۳. عایشه نیز می‌گوید: «ما رأیت رسول الله متقیاً وجهه بشیء؛ من هرگز ندیدم پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) (به هنگام سجده) پیشانی خود را به چیزی بپوشاند». «مصنف ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹: ۳۹۱/۱) سجده بر بعضی از اشیا نسبت به پیشانی خاصه است اما غیر پیشانی جایز است بر هر چیزی بگذارد

در بسیاری از روایات نقل شده است که رسول خدا به کسانی که از سجده بر خاک پرهیز می‌کردند، دستور می‌داد که بر خاک سجده کنند. ما به برخی از این روایات از کتاب‌های اهل سنت اشاره می‌کنیم:

عبدالرزاق صنعانی از خالد الجهنی نقل می‌کند: رای النبی (صلی الله علیه وآله وسلم) صهبیا یسجد کانه یتقی التراب فقال له: ترّب وجهک یا صهبیب؛ پیامبر اسلام (صلی الله علیه و اله) شخصی به نام صهبیب را دید که در هنگام سجده مراقب بود که صورتش به خاک مالیده نشود، پیامبر به او فرمود: ای صهبیب، صورت را بر خاک بگذار (متقی هندی، کنز العمال، ۱۴۰۱: ۷/ ۴۶۵)

دسته ای دیگر از روایات دلالت دارند که پیامبر گرامی مسلمانان را به پیشانی نهادن بر خاک هنگام سجده فرمان می‌داد چنان که ابو صالح می‌گوید نزد ام سلمه (همسر پیامبر) رفته بودم که

برادر زاده اش نیز آمد و در خانه اش نماز خواند اما هنگامی که به سجده رفت به خاکها فوت نمود ام سلمه به وی گفت ای برادر زاده خاک را فوت نکن زیرا پیامبر به غلامش یسار (افلح) فرمود: تَرَبَّ وَجْهَكَ لِلَّهِ. (مسند احمد ۱۴۱۶: ۱/۶ ۳۰۱). رخسار خود را برای خدا بر خاک بگذار. «واژه «ترب» از ماده «تراب» به معنای خاک است از امر رسول الله (ص) بر می آید که سجده بر خاک لازم است.

سیره رسول الله (ص) نشان می دهد که آن حضرت علاوه بر زمین بر روی چیزی که از زمین روییده نیز سجده می کرد. در صورتی که از خوردنی ها و پوشیدنی ها نباشد.

در منابع اهل سنت و در روایات متعدد آمده است: کان رسول الله (ص) یصلی علی الخمره پیامبر (ص) همواره بر (خمره) که از لیف درخت خرما ساخته می شد (سجده می کرد). ابو عبید گفته است که در روایت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده است که ایشان بر روی خمره نماز می خواندند. مقصود از خمره، تکه ای کوچک و بافته است که از برگ خرما درست می شود و در بین آن نخ عبور داده می شود و کوچک است به اندازه محل سجده یا کمی بزرگتر از آن؛ ولی اگر بزرگتر باشد که تمام بدن بر روی آن جا شود در نماز یا در هنگام خواب به آن حصیر گفته می شود نه خمره. و زبیدی در تاج العروس می نویسد: وقتی می گویند فلان کس بر روی خمره نماز خواند؛ یعنی بر روی حصیر کوچکی که از برگ درخت خرما درست می شود و با خط به هم متصل می گردد. (زبیدی، همان: ۲۱۳/۱۱)

این کلام از عده ای از اصحاب همچون ابن عباس (مسند احمد همان: ۱/۲۶۹). عبدالله بن عمرو عائشه و ام سلم و میمون (صحیح بخاری همان: ۱ص ۱۱۶، کتاب الصلاة، باب ۲۱ الصلاة علی الخمره ح ۳۸۱). و ام سلیم نقل شده است. سند اکثر این روایات نیز صحیح می باشد (مجمع الزوائد همان: ۲/۵۸ و ۵۷). ابن حجر عسقلانی در شرح خود بر صحیح بخاری می گوید: به سجده کوچکی که از لیف خرما بافته شده باشد خمره می گویند... اگر بزرگ باشد آن را حصیر می نامند (عسقلانی، فتح الباری، ۱۳۷۹: ۱/۳۶۴)

جابر بن عبدالله انصاری می گوید: كُنْتُ أُصَلِّي الظُّهْرَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَأَخَذَ قَبْضَهُ مِنَ الْحَصِيرِ لِيُرِدَ فِي كَفِّي أَعْضَاءَ لِحْيَتِي أُسْجِدُ عَلَيْهَا لِشَدَةِ الْحَرِّ

با رسول خدا (ص) نماز ظهر می گزاردم مشتی سنگ ریزه برگرفتم و در دست خود نگه می داشتم. تا خنک شود و هنگام سجده بر آنها پیشانی می گذاشتم و این به خاطر شدت گرما بود. (المستدرک همان: ۱/۱۹۵)

نافع می‌گوید: انابن عمرکان اذا سجد و علیه العمامه یرفعها حتی یضع جبهته بالارض) عبدالله بن عمر هنگام سجده دستار خود را بر می‌داشت تا پیشانی خود را بر زمین بگذارد (بیهقی سنن کبری، ج ۲، ص ۱۰۴ باب الكشف عن السجده فی السجود)

نهی پیامبر از وجود حائل بین پیشانی و زمین

محدثان اهل سنت روایاتی را آورده‌اند که نشان می‌دهد رسول الله (ص) کسانی را که هنگام سجده گوشه دستار خود را بین پیشانی خود و زمین قرار می‌دادند از این کار بازداشت. صالح سبایی می‌گوید: ان رسول الله (ص) رأی رجلا یسجد بجنبه و قد اعتم علی جبهته فحسر رسول الله (ص) عن جبهته.

پیامبر گرامی (ص) شخصی را در حال سجده کنار خود مشاهده فرمود در حالی که بر پیشانی خود دستار بسته بود. پیامبر (ص) عمامه را از پیشانی وی کنار زد. (همان/۱۰۵)

عیاض بن عبدالله قرشی هم می‌گوید: رای رسول الله (ص) رجلا یسجد علی کور عمامته فأوما بیده: ارفع عمامتك و أوما إلی جبهته

رسول خدا (ص) مردی را در حال سجده دید که بر گوشه عمامه خود سجده می‌کرد. پس به وی اشاره کرد که دستار خود را بردارد و به پیشانی او اشاره فرمود. (همان)

ابن سعد نیز در کتاب خود می‌نویسد: کان مسروق اذا خرج یخرج بلبنه یسجد علیها فی السفینه.

مسروق ابن اجدع هنگام مسافرت خشتی را با خود بر می‌داشت تا در کشتی بر آن سجده کند.

بنابراین همراه داشتن قطعه‌ای از تربت که خاک است بر خلاف نظر بعضی‌ها شرک و بدعت نیست. (ابن سعد الطبقات الکبری، بی تا: ۶/۷۹).

سجده بر اعضای هفت گانه

بین شیعه و سنی اختلافی نیست که سجده بر هفت عضو مشروع است. علمای اهل سنت هم قائل به این مدعا‌یند: « و اتفقوا علی ان السجود علی سبعة اعضاء مشروع». اما اختلاف در این مسئله است که سجده بر کدام یک از این اعضای هفت گانه واجب است.

۱. ابوحنیفه معتقد است از اعضای هفت گانه، فقط پیشانی یا بینی است که سجده با آن فرض است وی سجده نمودن بر بقیه اعضا را واجب نمی داند. ابوحنیفه سجده نمودن بر بینی را کافی می داند و در این حال سجده بر پیشانی لازم نمی داند.

۲. دیدگاه اهل البیت (ع) و امام شافعی چیز دیگری است. (شوکانی، نیل الاوطار، ۱۴۱۳: ۲، ۲۵۸). وجوب سجود بر همه اعضا اصح اقوال است. رجوع شود به شرح صحیح مسلم، ج ۴، ص ۴۵۳. شوکانی می گوید: فذهبت العترة والشافعی فی احد قولیه الی وجوب السجود علی جمیعها للاوامر (همان). اهل بیت و شافعی در یکی از دو قول خود - قائل به وجوب سجود بر اعضای هفت گانه اند. زیرا در احادیث اوامر زیادی یافت می شود. حدیث ابن عباس از آن جمله است: «امر النبی ان یسجد علی سبعة اعضا... الجبهة والیدین و الركبتین و الرجلین.» در حدیث دیگر چنین آمده است: « امرت ان اسجد علی سبعة اعظم.»

۳. مفسر معروف بیضاوی می گوید: و عرفت ذلك بالعرف و ذلك یقتضی الوجوب (همان: ۲: ۲۵۸ / ۲۵۹). سجده بر اعضای هفت گانه توسط عرف شناخته می شود و این مقتضی وجوب است

۴. شوکانی گفته است: این حدیث دلالت می کند که سجده بر همه اعضای هفت گانه واجب است. (همان: ۲۶۰). سپس ادامه می دهد که ناصر، مرتضی، ابوطالب، و شافعی - در یکی از دو قول خود - قائل به «کشف جبهه» اند. اما بقیه اعضا لازم نیست در حال سجود مکشوف باشد.

۵. امامیه هم قائل اند که پیشانی باید مکشوف باشد و بین پیشانی و خاک چیز دیگری حائل نباشد. اما بقیه اعضا لازم نیست مکشوف باشد.

پس امامیه و اکثر اهل سنت قائل اند که در حال سجود پیشانی باید مکشوف باشد و سجده بر اعضای هفت گانه انجام گیرد. اما ابوحنیفه گفته است: سجده بر اعضای هفت گانه واجب نیست. حتی او سجده بر پیشانی را هم واجب نمی داند. در نظر او اگر کسی بر بینی اش سجده نماید، به جای پیشانی کفایت می کند! او همچنین مکشوف بودن پیشانی را هم واجب نمی داند و بلکه سجده بر کنار عمامه را هم جایز می شمارد. (همان: ۲۶۰).

۶. سجده بر اعضای هفت گانه واجب و بر هشتمین عضو (بینی)، سنت و فضیلت است. شیخ طوسی (ره) گفته است: وضع الجبهة علی الارض فی حال السجود فرض، و وضع الانف سنة. ثم قال: دلیلنا: اجماع الفرقة و حدیث حماد و زراره (طوسی، الخلاف، بی تا: ۱/ ۳۵۵). شیخ

در این زمینه ادعای اجماع کرده است. نتیجه اینکه اکثر فقهای اهل سنت و همه فقهای شیعه، سجده بر بینی را مستحب می دانند و روایات وارد شده در این زمینه از هر دو فرقه، تقریباً مضامین یکسان دارند. علی (ع) فرموده است: لا تجزیء صلاة لا یصیب الانف ما یصیب الجبین (طوسی التهدیب، ۱۴۰۷: ۲ / ۲۹۸؛ الاستبصار، ۱۴۰۹: ۱ / ۳۲۷). امام صادق (ع) هم در این زمینه فرموده است: لا صلاة لمن لم یصیب انفه ما یصیب جبینہ (کلینی، فروع الکافی، ۱۴۲۹: ۳ / ۳۳۳). این روایات نیز از ابن عباس است: فقال النبی (ص) لاصلوة لمن لا یمس انفه الارض ما یمس الجبین. (سنن الکبری، بی تا: ۲ / ۴۳۷). همچنین آورده اند: فقال النبی (ص) لا تقبل صلاة لا یصیب الانف الارض ما یصیب الجبین. (همان)

با این حال، حقیقت سجده و واقعیت و مقوم آن، قرار دادن پیشانی بر زمین است و موارد شش گانه دیگر، بیشتر شبیه شرایط سجده است (تا اینکه در حقیقت آن نقش را داشته باشد) دلیل این مطلب، کلام صاحبان کتب لغت است؛ زیرا آنان در تعریف سجده، جز قراردادن پیشانی بر زمین، چیز دیگری را ذکر نکرده اند؛ بنابراین، گویی دیگر موارد، از شرایط سجده است که شارع آن را واجب و به حقیقت لغوی و عرفی سجده، افزوده است. (سجده بر خاک) در پرتو کتاب و سنت جعفر سبحانی و مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، ج ۳۷ / ۳۷

علت لزوم مکشوف بودن پیشانی در سجده

شاهد اینکه از میان اعضای هفت گانه، پیشانی شرایط خاصی دارد، این است که اکثر فقهای اهل سنت معتقدند که تنها در سجده است که پیشانی باید مکشوف باشد (و با چیزی پوشیده نشده باشد). بنابراین، اگر سایر اعضا مانند پیشانی، نقشی در حقیقت سجده داشتند، باید حکم آن اعضا هم مانند حکم پیشانی باشد؛ در حالی که واقعیت، خلاف این است

پاسخ از دو پرسش مهم

این پرسش مطرح می شود که چرا وقتی در منابع روایی اهل سنت هیچ دلیل معتبری وجود ندارد که سجده بر فرش و پارچه و امثال آن را در غیر حال ضرورت اثبات کند جبراً. اولاً آنان در غیر حال ضرورت بر فرش سجده می کنند و ثانیاً چرا وهابیت سجده شیعه بر مهر را قطعه ای از خاک است مشرک یا بدعت می دانند. پرسش نخست: چرا اهل سنت در غیر حال ضرورت بر فرش سجده می کنند؟

پاسخ

۱. برخی کثرت و تصریح روایات سجده مباشر بر ارض را نادیده می گیرند و می گویند هیچ فرقی بین پیشانی و دیگر اعضای هفت گانه سجده نیست پس می تواند مانعی بین پیشانی و زمین باشد. ابن حزم می گوید هیچ فرقی بین پیشانی و دیگر اعضا نیست نه در قرآن نه در روایات صحیح و حتی نه در روایات ضعیف نه در اجماع و نه در قیاس و نه در قول یک صحابی و نه در قول هر شخص دیگری (ابن حزم، المحلی، ۱۴۲۴: ۸۳/۴، مسأله ۴۳۹) این دیدگاه ابن حزم بسیاری از نویسندگان را به حیرت می اندازد یعنی واقعا او هیچ فرقی بین پیشانی و دیگر اعضا در روایات و اقوال صحابه ندیده است!!؟

برخی می گویند سجده بر فرش سجده بر زمین است. یعنی مراد از ارض در روایات هر آن چیزی است که انسان روی آن قرار دارد چه خاک و سنگ باشد و چه فرش (قرطبی می گوید صحت نماز بر زمین و رویدنی اتفاقی است و بر غیر آن اختلافی و مکروه است و این مذهب مالک بن انس است

قائلین به این سخن آن را در شرح حدیث نبوی «زمین برای من محل سجده و تیمم قرار گرفت» آورده اند ولی این سخن با ظاهر روایت ناسازگار است زیرا تیمم بر فرش بنا بر هیچ مذهبی صحیح نیست، پس یقینا مراد از ارض هر چیزی که انسان روی آن ایستاده نیست. گذشته از این که از روایات سجده در گرما و سرما و آنچه از سجده ابوبکر گفته شد و کنار زدن عمامه از سر، همه نشان از لزوم مباشرت پیشانی با زمین است به خلاف دیگر اعضا. سؤال دوم - سجده بر مهر شرک است؟ اتهام شرک به یکی از دو وجه است.

الف: شیعه تراب را می پرستند در حالی که باید فقط خدا را پرستید. در اینجا خلط میان دو مفهوم «مسجود له» و «مسجود علیه» شده است. اگر شیعه تراب را مسجود له قرار می داد یعنی برای خاک سجده می کرد مشرک بود اما اگر برای خدای یکتا سجده کند و محل سجده خود را به امر الهی ارض قرار دهد، عین اطاعت و توحید است.

ب: شیعه برای تراب یک اثر مستقلی در برابر قدرت خداوند قایل است، یعنی برای تراب قدرتی الهی قایل است. این اشکال بیشتر درباره تربت حسینی مطرح شده است اما این نسبت به شیعه درست نیست زیرا شیعه برای هیچ کس و هیچ چیزی قدرت الهی مستقلی قائل نیست. این که شیعه سجده بر تربت حسینی را ترجیح می دهد به چند دلیل است:

الف: امام صادق فرمود: «حضرت زهرا(س) از تربت سیدالشهدا حمزه تسبیحی درست کرد

و با آن ذکر می گفت و مردم نیز بر او تأسی کردند وقتی امام حسین (ع) سیدالشهدا شهید شد آن فضیلت بر تربیت امام حسین (ع) نیز داده شد (نوری مستدرک الوسائل ۱۴۰۸: ۱۲/۴، باب استحباب السجود علی تربه الحسین (ع) او لوح منها و اتخاذ السبحة منها (این روایت گرچه درباره تسبیح است نه لوحی که بر آن سجده می کنند اما می تواند شبهه شرک را پاسخ بگوید.

ب: سجده بر تربت حسینی به دلیل ادله خاصی که در این زمینه وارد شده است ترجیح داده می شود و اگر روایت خاصی در این ترجیح وارد نشده بود شیعه هرگز فتوا به استحباب آن نمی داد. دیلمی در ارشاد می گوید) کان الصادق لایسجد الا علی تربه الحسین (ع) (تذلل الله و استکانه الیه) «حضرت صادق (ع) به خاطر خشوع و خاکساری برای خدا تنها بر تربت حسین (ع) سجده می کرد) (خراسانی، الوضوء والسجود فی الکتاب والسنة، ۱۴۱۴: ۶۴) عن معاویه بن عمار قال: «کان لابی عبدالله (ع) خریطه دیباج صفراء فیها تربه ابی عبدالله (ع) فکان اذا حضرته الصلاه صبه علی سجاده و سجد علیه ثم قال (ع) «ان السجود علی تربه ابی عبدالله (ع) یخرق الحجب السبع»؛ «حضرت صادق (ع) دستمال و بقچه ای ابریشمی و زردرنگ داشت که در آن تربت امام حسین (ع) بود. هنگام نماز حضرت آن بقچه را پهن می کرد و بر آن سجده می کرد و می فرمود: سجده بر تربت امام حسین (ع) حجاب های هفتگانه را پاره می کند (همان)

سؤال سوم - سجده بر لوح بدعت است و بدعت حرام است. این اشکال اختصاص به سجده بر تربت امام حسین (ع) ندارد؟ بدعت در دین دو رکن دارد، (سبحانی، البدعه، بی تا: ۳۱) تصرف در دین چه در عقیده چه در حکم، به زیاده یا نقصان و دعوت به آن. دوم: هیچ دلیلی در شرع بر آن وجود نداشته باشد. در حالی که در مسأله سجده بر لوح نه از موارد مطلب اول است و نه دوم؛ یعنی اولاً سجده بر لوح جزئی دین است و ثانیاً ادله فراوانی بر آن وجود دارد. لوح خاکی است که نمازگزار برای سجده خود انتخاب می کند و تمام ادله ای که سجده بر ارض را اجازه می دهد، بر سجده بر لوح صحه می گذارد

۲- دلیل این که شیعه بر لوح نماز می گذارد این است که امروزه همه مساجد مفروش است و سجده بر فرش تشریح نشده است، لذا لوحی از ارض تهیه می کند که اولاً ارض بر آن صدق کند و ثانیاً پاک و تمیز باشد.

۳- رسول الله (ص) وقتی روی فرش نماز می خواندند خمره ای از خرما تهیه کرده بودند که برای سجده از آن استفاده می کردند. که روایات آن ذکر شد.

۴- در روایتی که از امام صادق (ع) درباره سجده بر تربت امام حسین (ع) آمده جواز این عمل ذکر شده است

۵- ابن سعد در طبقات الکبری در احوال مسروق بن اجدع می گوید: کان مسروق اذا خرج یخرج بلبنه یسجد علیها فی السفینه «وقتی مسروق بیرون می رفت خشتی همراه خود می برد و در کشتی بر آن سجده می کرد» (ابن سعد، الطبقات الکبری، ابن سعد، ۱۳۷۷: ۶/۷۹) مسروق بن اجدع فقیه مدینه و از شاگردان خلفای راشدین بود.

۶- زرین می گوید: کتب الی علی بن عبدالله بن عباس رضی الله عنه ان ابعث الی بلوح من احجار المروه اسجد علیه (ارزقی، اخبار مکه بی تا: ۳/۱۵۱) که نقل از سجده بر تربت، سیدرضا حسینی نسب

علی بن عبدالله بن عباس به من نوشت که لوحی از سنگ های مروه برایم بیاور تا بر آن سجده کنم. از این ادله معلوم می شود که سجده بر لوح بدعت نیست بلکه می توان گفت با توجه به ادله ای که در باب سجده بر زمین و گیاه ذکر شد، سجده بر غیر اینها، در غیر حالت اضطرار، باطل و بدعت است و از آنجا که امروز وهابیت عربستان سجده بر غیر ارض را تبلیغ می کند آنان بدعت گزار محسوب می شوند.

نتیجه بحث

از مجموع بررسی فقهی و روایی دیدگاه فریقین به نکات مهم دست یافتیم که به شرح ذیل است.

حقیقت و مقوم سجده، همان قراردادن پیشانی بر زمین است گذاشتن پیشانی بر زمین، دارای شرط خاصی باشد و آن اینکه «مسجودٌ علیه» یعنی چیزی که بر آن سجده می شود، باید زمین یا رویدنی از زمین باشد و سجده بر غیر این موارد، جایز نباشد.

سجده را درکتب اهل سنت چنین تعریف می کند. سجده عبارت است از (گذاشتن پیشانی بر زمین در حال نماز).

پیروان مذهب ائمه (ع) بر این عقیده هستند که بر غیر زمین نمی توان سجده کرد، البتّه عقیده دارند که بر آنچه از زمین می روید نیز می توان سجده کرد، به شرط آن که خوردنی و پوشیدنی نباشد مانند برگ و چوب درختان و حصیر و بوریا و امثال آنها

این حدیث را شیعه و اهل سنت از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل کرده‌اند که فرمود: «جُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَ طَهْرًا؛ زمین برای من محل سجده و وسیله طهارت (تیمم و...) قرار داده شد بر این اساس به فرموده رسول خدا (ص) هر کس در نماز باید پیشانی را روی خاک بگذارد و این کار مورد اتفاق همه مسلمانان است که ترجیح با خاک است و آن خاک باید پاک باشد.

بین شیعه و سنی اختلافی نیست که سجده بر هفت عضو مشروع است. علمای اهل سنت هم قائل به این مدعا‌یند: «و اتفقوا علی ان السجود علی سبعة اعضاء مشروع». اما اختلاف در این مسئله است که سجده بر کدام یک از این اعضای هفت گانه واجب است. شاهد اینکه از میان اعضای هفت گانه، پیشانی شرایط خاصی دارد، این است که اکثر فقهای اهل سنت معتقدند که تنها در سجده است که پیشانی باید مکشوف باشد (و با چیزی پوشیده نشده باشد). بنابراین، اگر سایر اعضا مانند پیشانی، نقشی در حقیقت سجده داشتند، باید حکم آن اعضا هم مانند حکم پیشانی باشد؛ در حالی که واقعیت، خلاف این است. با توجه به ادله‌ای که در باب سجده بر زمین و گیاه ذکر شد، سجده بر غیر اینها، در غیر حالت اضطرار، باطل و بدعت است و از آنجا که امروز وهابیت عربستان سجده بر غیر ارض را تبلیغ می‌کند آنان بدعت گزار محسوب می‌شوند.

کتابنامه

- ابن اثیر، النهایه فی غریب الحدیث والاثار ناشر دار الکتب المصریه بی تا.
- ابن سعد الطبقات الکبری دار صادر بیروت، ١٣٧٧ ه.ق
- ابن فارس، أحمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، مکتب الاعلام الاسلامی - قم، چاپ: اول، ١٤٠٤ق.
- امینی عبدالحسین، السجود علی التربة الحسينية ناشر: المجمع العالمي لاهل البيت عليهم السلام محل نشر: قم نوبت چاپ: اول ١٤٢٢ ق
- ابو بکر بن ابي شيبه، عبد الله بن محمد بن إبراهيم المصنف فی الحدیث والاثار الناشر: مکتبة الرشد - الرياض ١٤٠٩ق
- ابن بابویه، محمد بن علی علل الشرائع، کتاب فروشی داوری - قم، چاپ: اول، ١٣٨٥ ش / ١٩٦٦م.
- اندلیسی ابن حزم ابو محمد علی ابن احمد المحلی فی شرح المجلی ناشر دار الفكر بیروت ١٤٢٤ق.
- أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشيباني مسند الإمام أحمد بن حنبل الناشر: دار الحدیث - القاهرة الطبعة: الأولى، ١٤١٦ هـ - ١٩٩٥ م
- أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي فتح الباري شرح صحيح البخاري الناشر: دار المعرفة - بيروت، ١٣٧٩ق
- بخاری اسمعیل، صحیح بخاری، ناشر دار الفكر بیروت. بی تا.
- الرملي شمس الدين محمد بن أبي العباس أحمد بن حمزة شهاب الدين نهاية المحتاج إلى شرح المنهاج الناشر: دار الفكر، بيروت الطبعة: ط أخيرة - ١٤٠٤ هـ / .
- بيهقي احمد بن حسين بن علي بيهقي السنن الكبرى، ناشر دارالفكر بیروت. بی تا.
- حسینی نسب سیدرضا تربت حسینی مؤسسه سیدالشهداء قم، ١٣٦٩

سجده بر خاک درآیند فقه واحادیث با رویکردی روایی از دیدگاه فریقین □ ۱۴۹

حسینی زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، دارالفکر - بیروت، چاپ: اول، ۱۴۱۴ق.

حلی ابو منصور، جمال الدین حسن بن یوسف بن مطهر حلی تحریر الاحکام الشرعية علی مذهب الامامية ناشر قم ۱۴۲۰ق.

خراسانی میرزا غلامرضا الوضوء والسجود فی الكتاب والسنة، چاپخانه علمیه قم، ۱۴۱۴ه.ق
سبحانی جعفر سجده بر خاک» در پرتو کتاب و سنت و مجله فقه اهل بیت علیهم السلام بی تا
طباطبای سید محسن ی حکیم مستمسک العروة الوثقی، مؤسسه دار التفسیر قم ۱۴۹۱ق.

طوسی، محمد ابن حسن، الخلاف الناشر: مؤسسة النشر الإسلامي بی تا.
..... الإستبصار فیما اختلف من الأخبار، ۴جلد، دار الکتب الإسلامية -
تهران، چاپ: اول، ۱۳۹۰ق.

..... تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، ۱۰جلد، دار الکتب الإسلامية -
تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ق.

عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، مؤسسة آل البيت
علیهم السلام - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ق.

کرکی محقق جامع المقاصد فی شرح القواعد ناشر آل البيت قم ۱۴۱۴ق.
مازندرانی، محمد هادی بن محمد صالح، شرح فروع الکافی (للمولی محمد هادی بن محمد
صالح المازندرانی) دار الحدیث للطباعة و النشر - قم، چاپ: اول، ۱۴۲۹ق
متقی الهندی کنز العمال فی سنن الأفعال والأفعال ناشر: مؤسسة الرسالة الطبعة: الطبعة الخامسة،
۱۴۰۱هـ/۱۹۸۱م

نیسابوری محمد بن عبد الله الحاکم المستدرک علی الصححین دار الکتب العلمیة دسامبر ۲۰۱۱
نراقی مولی احمد بن محمد مهدی، مستند الشیعة فی أحكام الشریعة، مؤسسه آل البيت علیهم
السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۱۵هـ ق

وجدی، محمد فرید، دائرة معارف القرن الرابع عشر، العشرين، ناشر: دار المعرفة محل نشر: بیروت
بی تا

هیثمی علی بن ابی بکر. مجمع الزوائد الناشر: مكتبة القدسي، القاهرة ۱۴۱۴ هـ ۱۹۹۴ م
یزدی سید محمد کاظم العروة الوثقی ناشر مؤسسه الاعتمی بیروت بی تا.

